

ربا و بهره بانکی

چکیده

غلام علی احمدی^۱

پژوهش پیش‌رو تحت عنوان "ربا و بهره بانکی" در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول از چیستی ربا بحث می‌کند که عمدتاً مشتمل است بر توضیح مفهوم ربا، دلایل حرمت، دفعی بودن حرمت ربا، نقد نظریه تدریجی بودن و انواع ربا که در قالب ماهیت ربا قرار دارد. بخش دوم تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که، آیا ربا شامل بهره بانکی در بانکداری متعارف می‌شود؟ حرمت ربا مطابق صریح آیات، روایات و اجماع فقهاء یک امر مسلم و قطعی است اما با ظهور و بروز بانکداری در جوامع اسلامی پرسش فوق مطرح گردید. پاسخ به این سوال باعث دو دستگی میان اندیشمندان مسلمان شد. عده‌ی هر چند اندک بر این باورند که، بهره بانکی ربا نیست؛ زیرا اولاً، حرمت ربا در خصوص زیاده برای تمدید مدت بدهی است؛ یعنی در زمان جاهلیت این نوع زیاده بر قرض رایج بود و دلایل حرمت ربا در خصوص این نوع زیاده است نه هر زیاده‌ی برقرض. ثانیاً، حرمت ربا در خصوص زیاده فاحش است و زیاده‌ی اندک خارج از ادله حرمت می‌باشد. ثالثاً، حرمت ربا در خصوص زیاده بر قرض مصرفی است؛ لذا زیاده بر قرض تجاری و معاملی را خارج از ادله حرمت دانسته‌اند. از آنجا که بهره بانکی، زیاده برای تمدید مدت بدهی، زیاده فاحش و زیاده بر قرض مصرفی تنها نیست؛ پس ربا شامل بهره نمی‌شود و با آن تفاوت ماهوی دارد. دسته‌ی دیگر از اندیشمندان بر این باورند که، ربا به دلایل زیر شامل بهره بانکی است: الف) ربا در عصر تشریح، مختص به تمدید مهلت بدهی نبوده و به گواهی تاریخ ربا میان اعراب ربای قرضی نیز بوده است؛ پس نمی‌توان گفت ادله حرمت تنها شامل ربا در خصوص تمدید مهلت بدهی است. ب) ربا مختص به زیاده فاحش نیز مردود است؛ زیرا اولاً، سنت تحریم در اسلام منع از قلیل است تا مبادی گرفتار زیاد شویم. ثانیاً، این دیدگاه مغایرت دارد با آیه‌ی شریفه: و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم؛ یعنی اگر از رباخواری توبه کردید اصل مالتان از آن شماست. ج) اختصاص ربا به زیاده در قرض مصرفی نیز نادرست است؛ زیرا: ۱) آیه: احل الله البیع و حرم الربا؛ با قرض‌های سرمایه‌گذاری مناسب‌تر است تا قرض مصرفی؛ ۲) تاریخ اعراب بیانگر این است که، به قرض سرمایه‌گذاری نیز توجه داشتند؛ ۳) همراهی برخی آیات ربا با ترغیب به صدقه و مهلت به بدهکار مختص به قرض‌های مصرفی نیست؛ بلکه قرض‌های سرمایه‌گذاری را نیز شامل می‌شود؛ ۴) تحریم ربا تنها شامل قرض مصرفی نیست؛ بلکه قرض سرمایه‌گذاری را نیز در بردارد.

بخش سوم پاسخ به این پرسش است که، آیا ربا شامل بهره بانکی در بانکداری بدون ربا می‌شود؟ بهره در بانکداری بدون ربا، اگر ربا نباشد به دلایل زیر خالی از شبهه نیز نخواهد بود: ضدیت عمل با قانون، نبود هیأت شرعی در درون هر بانک، عدم آگاهی کارمندان بانک از فقه معاملات، وام‌های درون بانکی و اذعان برخی کارشناسان به اینکه برخی عملیات بانکی مطابقت با موازین شرعی ندارد. بنابراین، در نهایت پژوهش حاضر به این یافته دست می‌یابد که، ربا به دلایل قرآنی، روایی و اجماع فقهاء حرام مسلم است. بهره بانکی در بانکداری متعارف ربا محسوب می‌شود اما بهره بانکی در بانکداری بدون ربا اگر ربا نباشد خالی از شبهه ربا نیز نخواهد بود.

کلید واژه‌ها: ربا، بهره، بانک، بانکداری

^۱ دانش‌پژوه دکتری علوم اقتصادی، جامعه المصطفی العالمیه

در علم اقتصاد، هر اقتصادی از دویخس تشکیل یافته است: بخش حقیقی که مشتمل بر بازار کالا، خدمات و نیروی کار است. بخش مالی و پولی که از بازارهای متفاوت مانند بازار پول، بازار سرمایه و ... تشکیل شده است. از سوی دیگر، توجه جدی نظام اقتصاد اسلامی بر عملکرد این دویخس مبتنی بر مکانیسم هماهنگ است و این زمانی شکل می‌گیرد که صاحبان سرمایه‌های نقدی همانند تولیدکنندگان در سود و زیان مشارکت داشته باشند. اما وجود ربا در بانک که مهمترین نهاد اقتصادی به شمار می‌رود؛ باعث می‌شود که این دویخس به صورت هماهنگ عمل نکند و در نتیجه باعث کاهش تولید و رفاه جامعه می‌شود. از اینرو دین مبین اسلام هرگونه معامله‌ی را مشروط به زیاده از همان جنس حرام و از گناهان کبیره پنداشته است. شاید مهمترین تفاوت نظام اقتصاد اسلامی با اقتصاد غرب در سطح کلان و بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف در سطح خاص همین تحریم ربا باشد چرا که عمده فعالیت بانک‌های متعارف، بهره‌ی است که از سوی اکثر دانشمندان اسلامی مصداق ربای تحریم شده از جانب دین مبین اسلام محسوب می‌شود و از سوی دیگر، نیازهای اجتماعی ضرورت چنین نهاد را لازم و ضروری می‌بیند، لذا اندیشمندان مسلمان در پی تأسیس بانک اسلامی شدند که بر مبانی دینی سازگار باشد. قریب به صد سال است که از طراحی اولیه بانک‌های اسلامی می‌گذرد اما وجود عینی این چنین بانک‌ها اولین بار در سال ۱۹۷۵ در دبی، سپس در سودان و بحرین شکل گرفت. هرچند طراحان اولیه بانک‌های اسلامی مانند شهید صدر و دیگران بدون در نظر داشت ضرورت ایجاد هیأت نظارت بر عملکرد اسلامی بودن بانک‌ها در پی اسلامی شدن تجهیز و تخصیص منابع بودند (موسویان، ۱۳۸۸، ۶۰). از اینرو در دهه‌های اخیر افزون بر گسترش دامنه بانک‌های اسلامی، بر لزوم فعالیت‌های بانکی مطابق با شریعت اسلامی نیز تاکید شده است بگونه‌ی که امروزه در برخی از کشورها، بانک‌های اسلامی دارای شورای فقهی هستند که سعی بر اسلامی بودن سازوکارهای بانکی دارند و مانع از فعالیت‌های ضد دینی می‌شوند. بنابراین، پژوهش حاضر به توضیح ماهیت ربا، تبیین جایگاه آن در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا می‌پردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. ربا چیست؟
۲. آیا ربا و بهره در بانکداری متعارف تفاوت ماهوی دارند؟
۳. آیا ربا شامل بهره بانکی در بانکداری بدون ربا می‌شود؟

بخش اول: ماهیت ربا

مفهوم ربا

ربا در لغت به معنای بیشی، افزون شدن، نشو و نما کردن؛ سود بر سرمایه و زیاده است (معین، ۱۳۷۵، ۱۶۳۴ و دهخدا،

۱۳۴۲، ج ۲۶، ۲۳۶).

ربا در جوامع گذشته

در ابتدا بشر با دو مشکل مواجه بود: یکی ناتوانی در جهت رفع تمام نیازمندی‌ها؛ دوم عدم نگهداری مازاد بر نیاز. این دو مشکل، بشر را به قرض دادن و قرض گرفتن واداشت و کم کم تمایل به اضافه بر اصل مال برای قرض دهندگان به وجود آمد از

اینجا بود که در جوامع اولیه ربا متولد شد و با پیشرفت بشر در عرصه تکنولوژی و علم و با ایجاد پول در سطح جهان، ربا نیز گسترش یافت و امروزه به انحاء متفاوت مورد توجه جدی انسان‌های جهان است (همان).

دلایل حرمت ربا

در رابطه با حرمت ربا فقهای شیعه و سنی مانند صاحب جواهر الکلام و مؤلف ملحقات عروه الوثقی محمد کاظم طباطبایی، ابن قیم در اعلام الموقعین و سیوطی در الاشباه و النظائر بطور مبسوط بحث نموده‌اند. مفسرین نیز پیرامون آیات ربا مباحثی را راجع به حرمت ربا مطرح کرده‌اند و هم‌چنین صاحب نظران و اندیشمندان اقتصاد اسلامی به حرمت ربا و تفاوت یا عدم تفاوت آن با بهره بانکی پرداخته‌اند. به صورت کلی از مجموع مباحث مطرح تحت عنوان ربا به این نکته می‌رسیم که حرمت ربا بنا به دلایل زیر یک امر قطعی و اجماعی است:

۱. آیات قرآن

قرآن کریم به صورت قاطع در دو جا ربا را حرام می‌داند و مسلمین را از این عمل نهی می‌کند:

الف) یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا الربا اضعافا مضاعفه و اتقوا الله لعلکم تفلحون و اتقوا النار التي اعدت للكافرين (آل

عمران/ آیات: ۱۳۱-۱۳۰)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید، و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید.

ب) الذین یاکلون الربا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا فمن جاءه موعظه من ربه فانتهی فله ماسلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون یمحق الله الربا و یربى الصدقات والله لایحب کل کفار اثم... یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مومنین فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم لاتظلمون و لا تظلمون (بقره آیات: ۲۷۵-۲۷۹)

کسانی که ربا می‌خورند بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته اش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: داد و ستد مانند ربا است، و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام نموده است. پس، هرکس، اندرزی از جانب خدایش بدو رسید و (از ربا خواری) باز ایستاد، آنچه گذشته از آن اوست و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که (به ربا خواری) برگردند، آنان اهل آتش‌اند و در آن ماندگار خواهند بود. خدا از (برکت) ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد.... ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر (چنین) نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد. و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید. آیات فوق به صراحت ربا خواری را به

منزله پیکار با خدا و رسولش بیان داشته است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۰-۷). و ربا را غیر از بیع دانسته و بیع را حلال اما ربا را حرام شمرده است؛ زیرا معیار در بیع، گرفتن دستمزد و حق‌العمل در ازای ارائه خدمات یا کالا است در حالی که رباخوار بدون پذیرش ریسک و بدون زحمت در ازای قرض که به دیگران می‌دهد مازاد بر اصل پول طلب می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۶، ۴۲-۴۰).

۳. روایات

الف) از رسول‌الله نقل می‌کنند: لعن رسول‌الله^(ص) الربا و آکله و بایعه و مشتری و کاتبه و شاهدیه (حرعاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ۲۸۴). پیامبر^(ص) بر ربا، رباخوار، فروشنده، خریدار، نویسنده و شاهدان، آن لعنت فرستاده است.

ب) علی^(ع) می‌فرماید: خمسه اشیاء تقع بخمسه اشیاء و لابد لتلك الخمسه من النار..... من اتجر بغير علم فلا بد له من اكل الربا و لابد لاكل الربا من النار (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، باب الربا).

پنج چیز بدنبال پنج چیز دیگر واقع می‌شود. بدون شک عامل آن پنج چیز در آتش جهنم‌اند.... هرکس بدون دانش به تجارت اقدام کند به رباخواری مبتلا می‌شود و رباخوار حتما در آتش جهنم است.

ج) عن فقه الرضا^(ع): اعلم یرحمک الله ان الربا حرام سحت من الكبائر و مما قد وعد الله علیه النار فنعوذ بالله منها و هو محرم علی لسان کل نبی و فی کل کتاب (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ۱۲۱).

بدان که خدا تو را رحمت کند، همانا ربا حرام، پلید و از گناهان کبیره و از جرایمی است که خداوند بر آن وعده عذاب داده است از ربا به خدا پناه می‌بریم و ربا در کلام تمام پیامبران و کتاب‌های آسمانی حرام شده است.

بنابراین، روایات فراوان در رابطه با ربا وجود دارد که برخی از آن‌ها رباخواری را بدترین شغل و برخی از گناهان کبیره و برخی دیگر ربا را امر پیچیده می‌داند و به شدت از این عمل نهی نموده‌اند. با نگاه به آیات و روایات روشن می‌شود که فقها، مفسرین و تمام مسلمین حرمت ربا را پذیرفته‌اند و اجماع در این مساله حاصل شده است. چنانچه در این مورد آیت‌الله معرفت می‌فرماید: «ربا، و ربا خواری، از دیدگاه اسلام، از خطرناک‌ترین آفت‌های اجتماعی، و از گناهان بزرگ به شمار می‌رود، که هرگز استثنا پذیر نبوده و قابل تخصیص نمی‌باشد؛ زیرا در لسان شرع به گونه‌ای مطرح شده که قبح ذاتی آن را می‌رساند و هر گونه گناهی که به قبح عقلی توصیف شود، از نظر فقاقت تخصیص بردار نیست. بلکه عمومیت و ابدیت آن، برای همیشه محفوظ می‌باشد مواردی که به نظر می‌رسد استثنا گردیده، با دقت در متون روایات مربوطه، روشن می‌گردد که اساسا ربا نیست، بلکه صورت ربا را دارد، و به اصطلاح: تخصصا خارج می‌باشد نه تخصیصا. زیرا معقول نیست، ربا که با "اعلام جنگ با خدا و رسول" مساوی است، در برخی موارد تجویز شود. همانگونه که ظلم و خیانت - با حفظ عنوان - در هیچ موردی قابل تجویز نمی‌باشد، و هرگونه عمل زشتی که قبح آن، لازم مساوی آن باشد، قابل تجویز نخواهد بود. تقبیحات عقلی، هرگز استثناپذیر نیستند» (معرفت، فصلنامه مفید ۱۳).

۳. اجماع فقهای اسلام

تمام علمای شیعه بلکه جمیع فقهای مسلمین بر حرمت ربا تأکید دارند و آن را از ضروریات دین اسلام می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۲۹-۳۰).

دلیل چهارم بر حرمت ربا عقل انسانها است؛ زیرا ربا از مصداق بارز ظلم محسوب می‌شود و حرمت ظلم نیز از مستقالات عقلیه است. بنابراین عقلا ربا قبیح و حرام است (همان، ۳۰).

بنابراین، اصل حرمت ربا به دلایل ذکر شده ثابت و قطعی است؛ تنها اختلاف دانشمندان در قلمرو حرمت ریاست؛ یعنی ربای حرام چه نوع ربا و زیاده را شامل می‌شود.

ربا در عصر تشریح

مفسران و فقیهان ربا در عصر تشریح را اینگونه بیان نموده‌اند:

ربا در نگاه ابوبکر جصاص: ربای متعارف میان عرب این بود که در قبال قرض دادن درهم و دینار به مدت مشخص، طبق توافق دوطرف باید مقدار زیادتر از آنچه که بدهکار قرض گرفته است به طلبکار بپردازد (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ۱۸۴).

ربا در نگاه آیت الله گرامی "ربای نسیئه [بهره وام] شایع‌ترین ربای صدر اسلام بود، ولی با تأمل در آیات سوره بقره (مقابله ربا با خرید و فروش) ربای نقد هم مورد نظر است (فصلنامه، مفید، شماره ۱۳، ربا در نظرخواهی اساتید حوزه) "

ربا در نگاه فخررازی: ربا در عصر جاهلیت به این صورت بود که شخص نیازمند از سرمایه‌دار پول قرض می‌گرفت و سر هر ماه مقدار معین به عنوان زیاده بر اصل پول باید به صاحب پول پرداخت می‌کرد و اصل مال تا زمانی قرار داد نزد بدهکار باقی می‌ماند اما با اتمام قرارداد، وقتی طلبکار جهت طلب خود به بدهکار مراجعه می‌کرد در صورت عدم توانایی پرداخت از سوی بدهکار، طبق رضایت دوطرف به مبلغ قرض افزوده شده و تا سال دیگر بدهی تمدید می‌شد (فخررازی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ۹۳).

با توجه به نظریات فوق، می‌توان نتیجه گرفت که ربا در زمان تشریح به دو صورت بوده است (موسویان، ۱۳۸۶، ۱۳۵):

۱. ربای قرضی که نیازمند وام، مقدار پول را از کسی که دارای مازاد است می‌گرفت با این قرار داد که ماهانه یا سالانه بدهکار مقدار بیشتر از اصل پول به طلبکار بپردازد؛

۲. ربا برای تمدید مدت بدهی، اگر بدهکار ناتوان از پرداخت بدهی در موعد مقرر بود؛ در این صورت در قبال تمدید زمان، بدهی وی افزوده می‌شد.

حرمت ربا دفعی است نه تدریجی

قبل از پرداختن به قلمرو حرمت ربا به این بحث می‌پردازیم که حرمت ربا تدریجی است یا دفعی. گروهی از محققان و مفسران معتقدند که با ظهور اسلام در جزیره العرب، ربا خواری گسترده و در اوج خود بود لذا امکان تحریم دفعی نبود به همین منظور خداوند با فرستادن آیات متفاوت در آغاز بعثت پیامبر گرامی، ربا را نکوهش و سپس به تدریج تحریم نمود. نظریه تدریجی بودن تحریم ربا ابتدا توسط اسماعیل خلیل در سال ۱۳۲۶ق، در قاهره مطرح گردید، سپس به تبع ایشان محمدعبدالله و دیگر دانشوران به تدریجی بودن حرمت ربا پرداختند (موسویان، ۱۳۸۶، ۱۳۷). به صورت کلی معتقدین به تدریج، حرمت ربا را در پنج مرحله مطرح می‌کنند (همان، ۱۴۴-۱۳۷):

مرحله اول: تحریم ربا برای پیامبر (ص)

برخی از معتقدین به تدریج بر این باورند که، نخستین آیه در رابطه با ربا آیه ششم سوره مدثر است در خطاب به پیامبر گرامی می‌فرماید: **ولا تمنن تستکثر**. منت مگذار و فزونی مطلب.

طبرسی از ابن‌مسلم نقل می‌کند که این آیه خطاب به پیامبر گرامی می‌فرماید: مبادا بیش از آنچه که داده‌ای مطالبه کنی (طبرسی، بی تا، ج ۹، ۱۰۶).

مرحله دوم: ناپسند شمردن ربا خواری

مرحله دوم این است که خداوند در آیه ۳۹ از سوره روم می‌فرماید: "و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله و ما آتیتم من زکات تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون": آنچه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است)، و کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعف‌اند.

این آیه تصریح به حرمت ربا نمی‌کند؛ بلکه ربا را یک عمل ناپسند و نامطلوب بیان نموده و به آن پاداش نمی‌دهد اما به اموال که در راه خدا صدقه داده می‌شود برکت می‌دهد و مطلوب خداوند است.

مرحله سوم: نقل حکایت عبرت آموز رباخواری یهود

خداوند در مرحله سوم به داستان رباخواری یهود اشاره می‌کند و به مسلمانان هشدار می‌دهد؛ چرا که آنان با رباخواری هم در دنیا جریمه شدند و هم در آخرت عذابی دردناک نصیب‌شان می‌شود.

فبظلم من الذین هادوا حرمننا علیهم طیبات احلت لهم و بصدهم عن سبیل الله کثیرا و اخذهم الربا و قد نهوا عنه و اکلهم اموال الناس بالباطل و اعتدنا للکافرین منهم عذابا الیما (نساء، ۱۶۱-۱۶۰).

پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آن که (مردم را) بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم، و (به سبب) ربا گرفتنشان - با آن که از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان. و ما برای کافرانِ آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

مرحله چهارم: تحریم ربای فاحش

معتقدین به تدریج می‌گویند: خداوند در این مرحله، ربای خاص یعنی ربای فاحش را برای مسلمانان تحریم کرد و فرموده: یاایها الذین آمنوا لاتاکلوا الربا اضعافا مضاعفه و اتقوا الله لعلکم تفلحون و اتقوا النار الی اعدت للکافرین (آل عمران، ۱۳۱-۱۳۰). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید، و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید.

مرحله پنجم: تحریم قاطع و کلی ربا

در این مرحله بر اساس دیدگاه تدریج، خداوند با فرستادن سوره بقره، آیات ۲۷۵-۲۷۹ که در بالا بیان شد؛ هرنوع رباخواری را ممنوع و آن را پیکار با خدا و رسول خدا می‌داند.

نقد نظریه تدریج

نظریه تدریج خلاف واقع است؛ زیرا با بررسی آیات که آن‌ها استناد کردند روشن می‌شود که حرمت ربا تدریجی نیست بلکه دفعی می‌باشد. اینک به بررسی آیات که در مراحل پنجگانه بیان گردید بطور مختصر می‌پردازیم (موسویان، ۱۳۸۶، ۱۴۳-۱۴۲).

نقد مرحله اول: در تفسیر آیه ۶ از سوره مدثر، میان مفسرین اختلاف نظر وجود دارد اما غالب آن‌ها به دو معنا اشاره می‌کنند: الف) خداوند خطاب به پیامبر گرامی می‌فرماید: "ای پیامبر: کار نیکی را که برای خدا انجام می‌دهی هر گز زیاد مشمار (همان، ۱۴۲) ب) دیگر این که: "ای پیامبر چیزی را به دیگران هدیه نده در حالی که انتظار بیشتر از آن را داشته باشی (همان) ". با توجه به این دو معنا، آیه مورد اشاره اصلاً ربط به بحث ربا ندارد؛ لذا نمی‌توان در مورد ربا به این آیه استدلال نمود.

نقد مرحله دوم: یکی از آیات که باورمندان به تدریج به آن استدلال می‌کنند، آیه ۲۹ از سوره روم است. مفسرین در حدود شش معنا برای این آیه ذکر کردند که دو معنای آن بیشتر مورد توجه است: الف) این آیه راجع به هدیه است و اصلاً ارتباطی با ربا ندارد. ب) آیه مذکور در صدد بیان تحریم رباست نه در مقام پرداختن به ربای معروف؛ لذا با دیدگاه تدریج همخوانی ندارد.

نقد مرحله سوم: از آیات که دیدگاه تدریج به آن استدلال می‌کردند، آیه ۱۶۱ سوره نساء بود. این آیه هم ادعای آن‌ها را اثبات نمی‌کند؛ چرا که علمای علوم قرآن معتقدند که، سوره نساء بعد از سوره آل عمران نازل شده است؛ لذا زمینه ساز تحریم ربا در سوره آل عمران نمی‌تواند باشد.

نقد مرحله چهارم: آیه ۱۳۰ از سوره آل عمران یکی دیگر از آیاتی است که مورد استناد نظریه تدریج قرار گرفت اما در نقد این دیدگاه مطابق این آیه شریفه گفته شده است که، این آیه به تحریم مطلق ربا می‌پردازد اعم از ربای فاحش و غیر فاحش.

پس با بررسی مختصر آیات مورد استناد نظریه تدریج به این نتیجه می‌رسیم که، هیچ یک از آیات بر تدریجی بودن تحریم ربا همانند تحریم شراب وجود ندارد. بنابراین حرمت ربا دفعی است نه تدریجی؛ زیرا اولاً با بررسی آیات ربا و شأن نزول آن‌ها دفعی بودن ثابت می‌شود. ثانیاً برفرض تدریجی بودن، مراد تدریج در تشریح حکم نیست بلکه اجرای حکم است.

فلسفه تحریم ربا

راجع به حکمت حرمت ربا نظرات متفاوت وجود دارد که به صورت کلی در سه بخش دسته بندی شده است (حسینی، اقتصاد اسلامی ۵):

۱. جهت دهی سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولد و مفید

دین مبین اسلام به فعالیت‌های تجاری و تولیدی در بخش حقیقی اقتصاد تاکید دارد و هر نوع بهره‌وری بدور از چرخه حقیقی اقتصاد و یا سودآوری در قالب‌های غیر عقود اسلامی را مغایرت با ارزش‌های دینی شمرده است؛ زیرا اقتصاد ربوی در نگاه دینی عامل مهم سودآوری و عدم توجه به نیازمندان جامعه است. اقتصاد که بر پایه معاملات ربوی شکل بگیرد در واقع حجم زیاد از سرمایه‌ها از بخش حقیقی اقتصاد - بازارهای کالا و خدمات - به بازار پول تزریق شده و معاملات ربوی به شدت تقویت گردیده و نتیجه این فرایند کاهش رفاه عمومی جامعه، ترویج منکر و ظلم آشکار در حق محرومین جامعه خواهد بود. در نتیجه، تولیدکنندگان از ورود به فعالیت‌های اقتصادی همراه با ریسک دوری می‌کنند و باعث کاهش تولید و افت سرمایه‌گذاری به بخش حقیقی می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۷، ۳۵۵-۳۵۴).

۲. به کارگیری سرمایه در جهت فعالیت‌های مفید

شارع مقدس به انسان‌ها این اجازه را داده است که سرمایه‌های خود را به گونه‌ای سرمایه‌گذاری نمایند که مشروع و مطابق با آموزه‌های دینی باشد. شاید یکی از حکمت‌های تحریم ربا این باشد که ربا خوار هیچ‌گاه به زیر بناهای اقتصادی توجه ندارد بلکه با تمام وجود در جهت حداکثر نمودن سود شخصی خود از هر راه ممکن سعی دارد. در نگاه ربا خواران راه‌های میانی برای کسب سود بیشتر از راه‌های است که در جهت فعالیت‌های تولیدی معرفی شده است. خلاصه این که با فعالیت‌های ربوی، دارایی‌ها از مسیر حقیقی اقتصاد منحرف شده و سود آنی به جای نیازهای حقیقی جامعه تولید می‌شود.

۳. هدایت انسان‌ها به سمت تعادل روحی و روانی

«در آموزه‌های اسلامی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام اقتصادی ربوی، به صورت تمثیلی لطیف و پرمعنا، نمایانده شده است. رباخوار در قالب انسانی تمثیل یافته که بزرگی شکمش چون خانه و نامتناسب با دیگر اندام‌ها است، و توان تحرک و حیات قوامی خود را بر اثر حجم بزرگ و سنگینی شکم از دست داده است. این تمثیل بیانگر عینیت نمادین و بازگوکننده چهره واقعی جامعه‌ای به شمار می‌رود که در آن، ربا محور و اساس حرکت‌های اقتصادی قرار گرفته است» (همان).

انواع ربا

در یک تقسیم‌بندی کلی ربا به دو بخش دسته‌بندی شده است (معاونت پژوهش گروه اقتصاد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۴۵):

۱. ربای قرضی

این نوع ربا زمانی است که فرد برای تامین نیاز مالی اعم از امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری تقاضای قرض می‌کند. و رایج‌ترین ربا در گذشته و حال ربای قرضی است که نهادهای مالی یا اشخاص حقیقی به متقاضیان وام، قرض می‌دهند مشروط به پرداخت اصل مال با زیاده معین. قرض دارای دو جنبه مصرفی و تولیدی است. پاسخ این پرسش که، حرمت ربا شامل هر دو نوع قرض است یا اختصاص به قرض مصرفی دارد؟، در بخش دوم یعنی توجیهات ربا توضیح داده می‌شود.

۲. ربای معاملی

نوع دیگر ربا، ربای معاملی است که در گذشته به دلیل محدودیت پول کاغذی، بیشتر مبادله به صورت پایاپای، یعنی معامله کالا به کالا بوده است و هر نوع زیاده در این‌گونه داد و ستدها تحریم شده است. چنانکه امام خمینی^(ره) می‌فرماید: «ربای معاملی آن است که یکی از دو کالای مثل هم، با زیاده عینی به مثل دیگر فروخته شود مانند فروختن یک من گندم به دو من آن، یا به یک من آن و یک درهم، یا با زیاده حکمی مانند یک من گندم نقداً به یک من آن نسیه، و اقوی آن است که ربای معاملی اختصاص به بیع ندارد بلکه در سایر معاملات مثل صلح نیز جاری است. و شرط آن دو چیز است؛ اول: آن که عوض و معوض، به دید عرف از جهت جنس یکی باشد، پس هرچه که در نظر عرف بر آن گندم یا برنج یا خرما یا انگور صدق کند و حکم به یکی بودن جنس آن کنند، بیع بعضی از آن به بعضی دیگر با اضافی جایز نیست، اگر چه در صفات و خواص مختلف باشند. دوم: آن که عوض و معوض از مکمل یا موزون باشد، پس در چیزی که با شمردن یا مشاهده فروخته می‌شود ربا نیست» (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ۴۲۰-۴۱۸).

آیت الله مددی نیز در این خصوص می‌گوید: ".... بدون شک روایات فراوانی که فعلاً در مورد ربا داریم، مربوط به همین ایام (مدینه) است. بعید نیست ربای شایع در مکه (توسط مشرکان) و مدینه (یهودیان) به صورت بهره وام باشد، ولی در دوران

مدینه، پیامبر گرامی^(ص) خرید و فروش پاره‌ای اشیاء (مکیل و موزون) را با تفاوت، نیز ربا دانسته و حرام نموده باشند (ربا در نظرخواهی اساتید حوزه، فصلنامه مفید ۱۳) " .

بخش دوم: ربا و بهره در بانکداری متعارف

در بانکداری متعارف، چه در تجهیز منابع و چه در اعطای تسهیلات، از رابطه حقوقی قرض استفاده می‌شود. بانک‌های تجاری با افتتاح انواع سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدت‌دار، وجوه مازاد بر نیاز اشخاص حقیقی و حقوقی را جذب می‌کنند و متعهد می‌شوند مطابق مقررات حساب‌های مذکور، اصل و فرع آن‌ها را به صاحبان سپرده بر گردانند؛ سپس بانک‌ها با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی، منابع حاصل از سپرده‌ها را به صورت وام و اعتبار، در اختیار بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها قرار می‌دهند و در سررسید یا سررسیدهای معین، اصل و فرع (بهره) آن‌ها را بازپس می‌گیرند. مطابق قوانین بانکی کشورهای که نظام بانکداری متعارف در آن‌ها حاکم است، سپرده‌گذار با تحویل وجوه به بانک، مالکیت خود را از آن‌ها قطع کرده، آن‌ها را به مالکیت بانک در می‌آورد و رابطه او با بانک، رابطه بستانکار و بدهکار است و در مقابل، بانک بازپرداخت مبلغ سپرده را مطابق مقررات متعهد می‌شود (موسویان، ۱۳۸۶، ۱۱).

حال پرسش این است، آیا بهره بانکی ربا محسوب می‌شود یا خیر؟ با گسترش نظام سرمایه‌داری و نهادهای مالی در کشورهای اسلامی، برخی در صدد توجیحات حرمت ربا بر آمدند و تلاش دارند با این توجیحات به منظور حلیت بهره بانکی و اوراق قرضه، ربای حرام را به زمان گذشته یا به برخی مصادیق خاص تخصیص دهند. خواستگاه این مسأله ابتداً در مصر بود و سپس به سایر کشورهای اسلامی نیز رسید که در ادامه به بررسی برخی از این دیدگاه‌ها همراه با نقد آن می‌پردازیم:

۱. ربا در خصوص زیاده برای تمدید مدت

نخسین بار رشید رضا در تفسیر "المنار" و کتاب "الربا و المعاملات فی الاسلام"، به این دیدگاه پرداخت: ربا مختص زیاده برای تمدید مدت است که مختص به زمان جاهلی می‌باشد. وی راجع به آیات ربا در سوره بقره می‌گوید: ربای جاهلی مربوط به تمدید مهلت بدهی است و شامل جای که کسی مالی را در اختیار دیگری قرار می‌دهد تا با آن کار کند و سودی کم یا زیاد به صاحب مال بپردازد، نمی‌شود؛ زیرا این قرارداد سودمندی است که دو طرف از آن بهره می‌برند، در حالی که ربای جاهلی به زیان بدهکار بود؛ بدهکاری که هیچ گناهی جز ناتوانی از پرداخت بدهی نداشت (رشیدرضا، ج ۳، ۱۱۶). در جای دیگر می‌گوید: «و المراد بالربا فیها ربا الجاهلیة المعهود عنه عند المخاطبین عند نزولها لا مطلق المعنی اللغوی الذی هو الزیاده فما کل ما یسمی زیاد محرم» (همان، ج ۴، ۱۲۳).

نقد دیدگاه رشید رضا

دیدگاه ایشان در خصوص ربا کاملاً ضعیف است (موسویان، ۱۳۸۶، ۱۵۲)؛ زیرا اولاً، ایشان در تبیین ماهیت ربا به یک دسته خاص از آیات تمسک نموده که ربا را در خصوص تمدید مهلت بدهی بیان می‌کند، در حالی که راجع به ماهیت ربا در عصر تشریح بیان شد؛ ربا مختص این مسأله نبوده؛ بلکه ربای قرضی را نیز شامل است. ثانیاً، طبق معتقدات مورخان، ربا و رباخواری در میان مسلمانان از ناحیه یهودیان و مسیحیان ترویج گردید و طبیعی است که ربای رایج میان آن‌ها ربای قرضی

بوده است نه تمدید مهلت بدهی. ثالثاً، ربای قرضی یک پدیده رایج میان اعراب بوده است؛ لذا نمی‌توان به راحتی ربا را بدون در نظر داشت ربای قرضی به ربای تمدید بدهی اختصاص داد.

۲. ربا مختص به زیاده فاحش

در زمان امپراطوری عثمانی برخی از علمای دربار فتوی به حلیت بهره‌های کم دادن؛ زیرا آن‌ها با توجه به آیه‌ی "اضعافا مضاعفه" استدلال می‌کردند و معتقد بودن که زیاده فاحش حرام است نه اندک. سپس برخی از اندیشمندان در مصر و دیگر بلاد اسلامی با همین توجیه مهر حلیت به بهره‌های بانکی می‌زدند.

نقد دیدگاه مذکور

این دیدگاه نیز خلاف واقع است؛ زیرا اولاً، سنت تحریم در اسلام منع از قلیل است تا مبادا گرفتار زیاد شویم. افزون بر آن، معیار در کم و زیاد چیست؟ اگر به ظاهر الفاظ قرآن کریم توجه کنیم ۶۰٪ را نیز شامل است اما از آنجای که کلمه اضعاف جمع است و اقل جمع سه تاست بنابراین اگر سه و لو یک بار دو برابر شود، می‌شود شش. پس هر نوع توجیه در حلیت ربا طبق سوره بقره، آیات ۲۷۵-۲۷۹ نادرست و باطل است (قرضاوی، ۱۴۲۲ق، ۷۲-۷۱). ثانیاً، این دیدگاه مغایرت دارد با آیه شریفه: و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم؛ یعنی اگر از رباخواری توبه کردید اصل مالتان از آن شمامست. در این آیه شرط توبه منوط به اکتفا نمودن اصل مال قرض داده شده است و اگر بهره اندکی حلال می‌بود باید خداوند اجازه می‌داد (همان).

۳. انحصار ربا به زیاده در قرض‌های مصرفی

برخی اندیشمندان اسلامی مانند شیخ شلتوت، رشید رضا، آیت الله بجنوردی و دکتر کاتوزیان معتقدند که ربا در خصوص زیاده در قرض‌های مصرفی می‌باشد و به دلایل زیر استدلال می‌کنند (دادگر، فصلنامه مفید ۷ و موسویان، ۱۳۸۶، ۱۵۶-۱۵۵):

الف) آیات ربا متناظر است به ربای زمان جاهلیت که در خصوص قرض‌های مصرفی بوده است نه قرض‌های سرمایه‌گذاری؛ زیرا قرض‌های سرمایه‌گذاری بعداً با گسترش فعالیت‌های تولیدی و تجاری بوجود آمد.

ب) تحریم ربا در مقابل صدقه آمده، چنان که آیات زیر بیانگر این مساله است: یمحق الله الربا و یربی الصدقات (بقره، ۲۷۶)؛ آیه‌ی دیگر نیز می‌فرماید: و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره و ان تصدقو خیر لکم ان کتم تعلمون (بقره، ۲۸۰).

پس آیات مورد نظر امر به مهلت دادن بدهکار و ترغیب به صدقه دارد؛ لذا با قرض‌های مصرفی نسبت به قرض‌های سرمایه‌گذاری سازگارتر است.

ج) طبق برخی آیات (بقره، ۲۷۹) و روایات، فلسفه تحریم ربا، ظلم بیان شده است. ظلم در قرض‌های سرمایه‌گذاری مصداق ندارد؛ زیرا سرمایه‌گذار با قرض به تولید و تجارت می‌پردازد و کسب سود می‌نماید. تنها مصداق ظلم در قرض، قرض مصرفی است نه تولیدی.

نقد دیدگاه

طبق آیات و روایات، حرمت ربا اختصاص به قرض مصرفی تنها ندارد؛ بلکه به دلایل زیر شامل هر دو نوع است (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۶۱-۱۶۰):

۱. در قرآن کریم ربا در مقابل بیع قرار داده شده است: *احل الله البیع و حرم الربا*، این مقابله به خوبی نشان می‌دهد که حرمت ربا در خصوص قرض مصرفی که به منظور ترحم بر ضعفاست با حلیت بیع سازگار نیست؛ بلکه با قرض تولیدی مناسبت است؛

۲. تاریخ جزیره العرب بیانگر این است که اعراب علاوه بر قرض‌های مصرفی به قرض‌های سرمایه‌گذاری نیز توجه داشتند؛

۳. همراهی برخی آیات ربا با ترغیب به صدقه و مهلت به بدهکار مختص به قرض‌های مصرفی نیست؛ بلکه قرض‌های سرمایه‌گذاری را نیز شامل می‌شود. به عنوان مثال تاجری برای امر بازرگانی استقراض نموده است، بعد از مدت دچار زیان شد در این صورت مهلت به بدهکار از ناحیه طلبکار امر کاملاً انسانی است.

۴. تحریم ربا بخاطر ظلم تنها شامل قرض مصرفی نیست؛ بلکه قرض سرمایه‌گذاری را نیز در بردارد؛ زیرا همانگونه که شخصی بدلیل نیاز و اضطرار استقراض می‌کند و گرفتن مازاد ظلم است در مورد سرمایه‌گذار نیز ممکن است. چرا که قرض دهنده به دلیل داشتن قدرت بالای چانه‌زنی در اقتصاد، براحتی می‌تواند خواسته‌های خود را بر آن‌ها تحمیل نماید.

۴. ربا به بازده ثابت و معین از قبل

ربا به بازده ثابت و معین شده از قبل اطلاق می‌شود که در جوامع سنتی مرسوم بود و سطح عمومی قیمت‌ها و سلیقه‌ها نیز ثابت بودند. اما با توسعه تکنولوژی، سلیقه‌ها، درآمدها، سطح عمومی قیمت‌ها و قیمت‌های نسبی در حال تغییراند. بنابراین، بهره بانکی ربا نیست؛ چرا که بهره ناشی از بازده ثابت نیست بلکه ناشی از توافق طرفین بر یک نرخ بهره اسمی است و بهره واقعی که همان بازده واقعی باشد متناسب با سطح عمومی قیمت‌ها و تغییرات قیمت‌های نسبی نوسان دارد (غنی‌نژاد و موسویان، ۱۳۸۴، ۱۲).

نقد دیدگاه

این دیدگاه به دلایل زیر ضعیف و نادرست است:

۱. مطابق روایات معتبر انحصار ربا به بازده ثابت درست نیست؛ زیرا در صورت قرض، قرض دهنده مستحق اصل مال قرض داده شده در موعد مقرر است و شرط هر نوع زیاده اعم از بازده ثابت و متغیر حرام و ریاست (موسویان، ۱۳۸۶، ۱۵۸)؛

۲. تاریخ صدر اسلام نشان از عدم ثبات سطح عمومی قیمت‌ها و سلیقه‌ها دارد؛ یعنی در آن زمان هم در کوتاه مدت تورم بوده است اما نه به شدت فعلی چرا که شدت تورم از شکل‌گیری بازارهای پولی است، در حالی که در آن زمان معاملات همانند حال کاملاً پولی نبوده است. افزون بر آن، عوامل مانند خشک سالی و دیگر حوادث اجتماعی باعث کمبود مایحتاج مردم می‌شد و در نتیجه سطح قیمت‌ها و قیمت‌های نسبی تغییر می‌کردند. پس همانگونه که امروزه توافق بر بهره اسمی است و بهره واقعی متأثر از تغییرات قیمت هاست در صدر اسلام نیز چنین بوده است و از بازده ثابت خبری نبود (یوسفی، اقتصادی اسلامی ۳). بنابراین، بهره در بانک‌های متعارف شامل ربا است؛ زیرا زیاده بر قرض محسوب می‌شود.

بخش سوم: ربا و بهره در بانکداری بدون ربا

سه عامل مهم در گرایش به بانکداری اسلامی نقش دارند که عبارتند از (هرورانی و زه‌تایان، ۱۳۸۹، ۳۰): الف) در نظام دینی، فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری باید بر اساس ارزش‌های اخلاقی و بر پایه ارزش‌های اسلامی باشد؛ زیرا مسلمانان در جوامع اسلامی با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی تربیت می‌شوند و دارای ارزش‌های اخلاقی هستند که مانع از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مانند: تهیه مشروبات الکلی، قمار و نظایر این‌ها می‌شود.

ب) دین مبین اسلام، مسلمانان را از دریافت بهره و ربا به شدت نهی نموده است، لذا اندیشمندان مسلمان باتوجه به ماهیت بانک‌های متعارف که بر مبنای بهره در بخش تجهیز و تخصیص فعالیت دارند بر آن شدند که ایده بانکداری اسلامی را مطرح نمایند.

ج) از نظر دین مبین اسلام، تنها معامله‌ی شرعی و قانونی است که شامل سرمایه باشد و در امر تولید و بهبود وضع جامعه از منابع مالی استفاده شود، لذا مبادله ارزش پولی با ارزش پولی ممنوع و غیر شرعی است.

با توجه به عوامل سه گانه، ایده بانکداری اسلامی با حذف سازوکارهای مرتبط با ربا، زاینده‌گی پول و حفظ ارزش‌های اخلاق اسلامی؛ مطرح گردید. ابزارهای تامین مالی در این نوع بانکداری به دو گروه **pls** (مشارکت در سود و زیان) **NON-PLS** دسته بندی می‌شوند. داد و ستدها در قالب مضاربه و مشارکت جزو گروه اول و معاملات مانند استصناع، اجاره، مرابحه و سلم جزو گروه دوم هستند که داری ریسک کمتری نسبت به گروه اول است (همان، ۷۲-۷۱).

بهره بانکی از دیدگاه مراجع عظام (جامع المسائل، استفتانات جدید و توضیح المسائل، <http://www.jawab.ir/qa>)

آیت الله فاضل می‌فرماید: "مبنای بانک‌ها بر رعایت ضوابط اسلامی است و چون گرفتن و دادن پول بر مبنای مضاربه و سایر عقود اسلامی است، لذا سود از هر طرف برای طرف دیگر حلال است".

در جای دیگر فرموده: "بانک‌ها موظفند طبق مقررات اسلامی عمل کنند و برای کسی که علم به خلاف ندارد، اشکالی نیست". آیت الله مکارم فرموده: "ماهیت سپرده‌های حساب جاری ماهیت قرض است و مشروط بر این است که به مجرد مطالبه ادا شود، و ماهیت سپرده‌های دراز مدت و کوتاه مدت، نوعی مضاربه یا سایر عقود شرعیه و مانند آن است و پرداخت سود علی‌الحساب نوعی وام است که بعد از ظهور ربح محاسبه می‌شود و در صورت رعایت ضوابط عقود شرعیه مانند مضاربه، گرفتن سود اشکالی ندارد".

آیت الله تبریزی فرموده: "چنانچه سپرده‌گذار بانک را وکیل کند که با پول او معامله شرعی انجام دهد و اطمینان داشته باشد که به این قرارداد عمل می‌شود، گرفتن سود اشکالی ندارد". آیت الله بهجت: "در صورتی که معاملات و عملیاتی که بانکها انجام می‌دهند، براساس معاملات شرعی باشد، گشایش اعتبارات بی‌اشکال است".

با توجه به وجود و ضرورت بانکداری اسلامی؛ پرسش این است که آیا ربا شامل بهره بانکی می‌شود؟ در پاسخ به سوال فوق می‌توان گفت که، بهره بانکی در بانک‌های بدون ربا به دلایل زیر حداقل دارای شبهه ربا می‌باشد:

۱. مغایرت عمل با قانون: به یک مورد اشاره می‌شود؛ مطابق قانون، بانکداری بدون ربا موظف است سود علی‌الحساب بابت سپرده غیر جاری به سپرده‌گذاران بدهد اما در پایان سال مالی پس از محاسبه نهایی بایستی مازاد بر آن در صورت سود بیشتر داده شود و در صورت سود کمتر، مازاد گرفته شود در حالی که بانک‌ها در عمل اقدام به این کار نمی‌کنند و در حقیقت همان سود علی‌الحساب سود واقعی بانک محسوب می‌شود و این روند حد اقل محکوم به شبهه است.

۲. فقدان کمیته شریعت: نبود کمیته شرعی در بیشتر بانک‌ها باعث افزایش ریسک شریعت می‌شود و ضریب اطمینان از حلال بودن سودهای گرفته شده از جانب بانک را کاهش می‌دهد؛ زیرا تمام عملیات بانکی بدون حضور یک یا چند ناظر شرعی صورت می‌گیرد و در نهایت تطبیق عملکرد بانک با موازین شرع در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد.

۳. عدم آگاهی کارمندان: تقریباً همه‌ی کارمندان بانک از مسایل شرعی بانک و تطبیق فعالیت‌های بانکی با اصول شریعت آگاهی کافی ندارند و تنها موظف به اجرایی شدن کارها هستند؛ لذا وجود یک نهاد شرعی در درون هر بانک و یا آگاه بخشی کارمندان از احکام فقه معاملات یک امر جدی و ضروری است که بانک‌ها در عمل فاقد هر دو هستند و این نیز شبهه‌ناک بودن سودهای بدست آمده را تقویت می‌کند.

۴. وام‌های درون بانکی: بانک‌ها از تعامل میان خودشان در وام‌دهی نیز کسب سود می‌کنند؛ یعنی اگر یک بانکی به هر دلیل فاقد نقدینگی لازم به هدف خاص بود آنگاه از بانک دیگر می‌تواند وام یک ساعته و یا بیشتر با نرخ بهره مشخص بگیرد. این مساله نیز از اطمینان به دوری از ربا و در عملیات بانکی می‌کاهد؛

۵. احکام بزرگان دینی: فتاوی‌ای تمام مراجع عظام به حلیت سودهای بانکی منوط به این است که، بانک طبق موازین شرع عمل کند اما بیشتر متخصصین در فقه معاملات با دانش اقتصادی و یا کارشناسان اقتصادی که دغدغه دینی دارند و از روند کاری بانک‌ها نیز مطلع هستند به این نتیجه رسیدند که، بانک‌ها کاملاً مطابق ضوابط شرعی عمل نمی‌کنند؛ لذا طرح جدید از بانکداری بدون ربا ارائه دادند.

نتیجه

به گواهی قرآن، روایات، عقل و اجماع فقهای مسلمین، حرمت ربا یک امر مسلم و قطعی است. هرچند برخی اندیشمندان مسلمان تلاش نمودند تا حرمت ربا را توجیه نمایند و با این توجیحات سعی کردند تفاوت ربا و بهره بانکی را اثبات نمایند اما تمام این توجیحات مورد نقد قرار گرفت و نتیجه‌ی کلی که از اطلاق ادله حرمت ربا می‌توان گرفت؛ حرمت ربا، هر نوع زیاده اعم از زیاده اندک و فاحش در قالب هر نوع بیع قرضی و معاملی را شامل است و هیچ تفاوت با بهره بانکی رایج ندارد. بنابراین بهره بانکی در بانک‌های متعارف ربا و حرام است. از اینرو اندیشمندان اسلامی به طرح بانک‌های اسلامی به هدف دوری از ربا و ... همت گماردند. با توجه به فعالیت بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران و وجود مشکلات بر شمرده نتیجه می‌گیریم که بهره در بانکداری بدون ربا خالی از شبهه ربا نیست.

منابع

قرآن کریم

۱. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ربا: پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.
۲. توکلی، محمد جواد، الگوهای سپرده پذیری در بانکداری اسلامی، مجموعه مقالات سازوکار بانکداری اسلامی.
۳. جصاص، ابوبکر، احکام القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۵ق.
۴. حسینی بهشتی، سید محمد، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی، بقعه، ۱۳۸۶.
۵. حسینی، سید هادی، حکمت های تحریم ربا، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۵.
۶. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، ج ۲، ۱۴۲۱ق.
۷. دادگر، ید الله - تیمور رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴.
۸. -----، پیش در آمدی بر: توجیهاات معاصر پیرامون مساله ربا، فصلنامه نامه مفید، شماره ۷.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ج ۲۶، ۱۳۴۲.
۱۰. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، دارالفکر، بیروت، ج ۷، ۱۴۱۵ق.
۱۱. رشید، محمد رضا، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت- لبنان، ج ۳-۴، بی تا.
۱۲. ربا در نظریه و عمل چالشها و راهکارها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، الربا و البنک الاسلامی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲.
۱۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۹، بی تا.
۱۵. عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، اول، بیروت، ج ۱۷، ۱۴۱۳.
۱۶. غنی نژاد، موسی و سید عباس موسیان، بهره یا ربا، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۴.
۱۷. -----، تفاوت ربا و بهره بانکی، مجلات، نقد و نظر، شماره ۱۲.

۱۸. فیاض، محمد اسحاق، بانک از نگاه اسلام، ترجمه: محمد جواد برهانی، قم: مؤسسه کتاب بوستان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۹. فراهانی فرد، سعید، سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۲۰. قرضاوی، یوسف، فواید البنوک هی الربا الحرام، مکتبه وهبه، القاہرہ، الطبعہ الخامسہ، ۱۴۲۲ق.
۲۱. قرضاوی، یوسف، مترجم: نصرالله خلیلی، بهره بانکی همان ریاست، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۳.
۲۲. مصباحی، غلامرضا، جنبه های فقهی پول، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۱۳ و ۱۴.
۲۳. موسویان، سید عباس و دیگران، نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک های اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم / شماره ۳۶، ۱۳۸۸.
۲۴. -----، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ امیر کبیر، ج ۲.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۰۳، ۱۴۰۳ق.
۲۷. معرفت، محمدهادی، ربا از گناهان کبیره و استثناء پذیر است، فصلنامه نامه مفید، ش ۱۳.
۲۸. مطهری، مرتضی، مساله ربا، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۷۸.
۲۹. آیت الله حایری و آیت الله مددی و آیت الله گرامی، فصلنامه نامه مفید، ش ۱۳، مصاحبه ربا در نظر خواهی از اساتید حوزه.
۳۰. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسایل مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، دوم، ج ۱۳، باب الربا، ۱۴۰۸ق.
۳۱. هرورانی، حسین، زه تابیان، مصطفی، هرورانی، مهدی، نقدی بر بانکداری اسلامی، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۳۲. یوسفی، احمد علی، نظام اقتصاد علوی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۳۳. -----، تحلیل تاریخی تورم و کاهش ارزش پول، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۲.